

دوباره زندگی

حسین
شکیب راد
دبیر «نوجوانه»



انگار یک نفر از آسمان دارد فریاد می زند، خب همه عوامل فیلم سینمایی «سال ۹۹» کم کم وسایلتان را جمع کنید و بروید ببینید چه گلی به سر خودتان و دیگران زده اید. البته این ابزار نیستند که باید جمع و حورشان کرد. یک چیزهایی درون ماست که باید به حسابشان رسیدگی کنیم. انگار با رسیدن به آخرین روزهای

سال داریم یاد کارهایی می افتیم که باید انجام می دادیم و انجام ندادیم و کارهایی که نباید سراغشان می رفتیم و ... مثلاً به این فکر می کنیم که چرا جایی دلم نباید می رفت و رفت. جایی که چشمم نباید می افتاد و افتاد. حرفی که نباید می زدم و زدم و هزارتا از این جمله ها. البته خدا را شکر چند سکانس تا پایان سال باقی مانده. مثلاً می شد الان شب عید باشد و با خودمتن بگویم ای بابا امسال را که بد تمام کردیم لااقل به فکر سال نو باشیم. ولی نه؛ هنوز برای پایان خوش و زیبا برای سال ۱۳۹۹ فرصت داریم. راستش را هم بخواهیم بالاخره یک سال بزرگتر شده ایم. هرچور

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۹ ■ ۱۴ اسفند ۱۳۹۹

توی این شماره
باهم می خونیم



۲

ملجانا



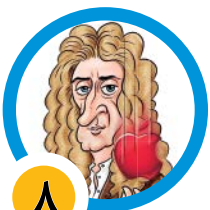
۳

مانکن هفته



۶

دیده بان



۸

قانون واسطه

حساب کنیم ما دیگر آن آدم قبلی نیستیم که این همه فراز و نشیب های سال جاری را درک نکرده است. ما خیلی فرق کرده ایم. فقط باید دل و ذهنمان را جمع و جور کنیم و این فیلم مستند را جوری به پایان برسانیم که امیدی به فصل های آینده آن وجود داشته باشد. باید لباس نو که نه، روح نو برتن کنیم. باید احسان و نیکوکاری از یک روز در سال بیاید و در لحظه لحظه زندگی مان جاری شود. باید خودمان فکری به حال خودمان کنیم. هم برای خودمان هم برای اطرافیانمان. این پل حسابرسی آخر سال را که خوب طی کنیم؛ آن طرف دیگر از سرما خبری نیست. دوباره یک صدا از آسمان می آید و می گوید: سه ... دو ... یک ... حرکت!